

فقر و نقش تعاونی‌ها در کاهش آن

نازیلا صدقی سیگارچی

طی سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۹ دوره پیش از انقلاب اسلامی غالباً یک استراتژی توسعه کاملاً یکسویه و به دور از نگرش عدالت‌گرایانه دنبال می‌شد. در عین حال برای بسیاری از صاحب نظران این موضوع همواره پذیرفته شده است که تأثیرات رشد به طور اتوماتیک فقر را کاهش می‌دهد و بالا رفتن درآمدها به طور ناآهسته نیز باعث می‌شود که ثروتمندان بیشتر از فقرا سود ببرند. لذا پس از انقلاب اسلامی یک مبحث جدید پایه‌گذاری گردید که بسیار منصفانه‌تر بود. بدین ترتیب، دولت نمونه‌ای از اقتصاد رفاه اجتماعی را که از عوامل استراتژی توسعه به شمار می‌رفتند معرفی نمود.

در سال ۱۳۶۳ همزمان با جنگ تحمیلی که تا سال ۱۳۶۷ ادامه یافت. دولت ایران، شدیداً درگیر کنار آمدن با موضوعات اقتصادی مانند تورم، کاهش شدید درآمد نفت و رکود در تولید بود و این موضوع موجب ایجاد شرایط نامتوازن در سیاستهای توسعه گردید.

بعد از جنگ سیاستهای توزیع درآمد ترک شد و دولت سیاست کاهش تصدی‌گری و ایجاد اقتصاد بازار آزاد را جایگزین نمود. گفتگوهایی با IMF و بانک جهانی به منظور معرفی برنامه‌های رسمی آزادی تجارت و خصوصی‌سازی اقتصاد انجام داد ولی با این وجود مطالعات جدی برای بررسی تغییرات فقر در طی دوره بلافاصله بعد از انقلاب صورت نگرفت.



فقر گرسنگی است. فقر، عدم بر خورداری از نیازهای اولیه است. فقر، بیمار بودن در حالی که توانایی مالی جهت رفتن به پزشک را نداشتن است. فقر امکان رفتن به مدرسه را نداشتن و قادر به خواندن نبودن است. فقر بیکار بودن، ترس از آینده و زندگی در حال است. فقر، مردن کودکان به خاطر استفاده از آب آلوده است. فقر، بی قدرتی و ترس از حضور و آزادی است.

تعریف فقر توسط سازمان ملل متحد و سازمانهای همکاری به نحو ساده‌ای تعریف گردیده است. آنها فقر را عدم بر خورداری خانوارها و افراد از منابع و امکانات جهت تأمین مایحتاج زندگی می‌دانند. فقر در واقع وجود نابرابری نیست بلکه نابرابری شاخصی برای فقر به حساب می‌آید. فقر در واقع شرایطی است که مردم تمایل به گریز از آن را دارند تا از مایحتاج زندگی - غذایی کافی - شرایط تحصیلی مناسب و سلامتی بر خوردار شوند.

ساختار خط فقر

بر اساس آخرین اطلاعات در سال ۱۳۷۱، خط فقر بولی در ایران وجود نداشته است. دو شاخص غیر مستقیم در سال ۱۳۷۱ جهت تشخیص فقر استفاده می‌شده است. بر طبق اولین شاخص، زندگی در یک اتاق فقر شدید شناخته شده است و زندگی در دو اتاق نشانی از فقر نسبی است. بر اساس آمار مسکن در سال ۱۳۶۵ حدود ۴/۵ میلیون خانوار (۲۱ میلیون نفر) در فقر خیلی شدید به سر می‌بردند. از این تعداد ۲/۴ میلیون خانوار (۱۰/۳ میلیون نفر) در مناطق شهری و مابقی در مناطق روستایی زندگی می‌کردند. تشخیص فقر بر اساس مساحت مسکن یکی از مشکلات جدی می‌باشد. زیرا این شاخص نشان می‌دهد اگر فردی از نظر محل سکونت در مضیقه نباشد از نظر تغذیه و سایر کمبودها و محرومیت‌ها نیز مشکلی ندارد. این در صورتی است که

ممکن است خانواری در خانه‌ای موروثی زندگی کند ولی توانایی مالی و درآمد کافی جهت تأمین سایر مایحتاج زندگی را نداشته باشد (مانند غذا و لباس) ولی ممکن است فردی در خانه‌ای کوچک زندگی نماید ولی توانایی مالی کافی جهت تأمین نیازهای خود را نداشته باشد.

دومین شاخصی که مطرح می‌شود بر این اساس است که کلیه اشخاصی که کمک از سازمانهای خیریه دولتی و یا غیردولتی دریافت می‌دارند فقیر هستند. بر اساس این شاخص گزارش شده است که ۱/۵ میلیون خانوار (۳/۱۶ میلیون نفر) در سال ۱۳۶۵ در فقر زندگی می‌کردند. تعریف فقر بر این اساس مشکلات خاص خود را دارد. این یک واقعیت است که سازمانهای مذکور نسبت به افزایش سرمایه‌های خیریه‌ای و هدایای خود اقدام می‌نمایند و آنها را بین فقرا توزیع می‌کنند اما اطلاعات کافی در خصوص میزان و پوشش این فعالیت‌ها وجود ندارد. حتی اگر بتوان این اطلاعات را به طور صحیح جمع‌آوری نمود آمار فقیرهای به دست آمده کمتر از واقعیت است به این دلیل که بسیاری از خانوارهای فقیر از سازمانهای خیریه به دلیل فرهنگی و اجتماعی کمک نمی‌گیرند.

شهرنشینی و فقر

شهرنشینی تمرکز جغرافیایی جمعیت است اگر چه تعاریف آن در بین کشورها متفاوت است. رشد سریع شهرنشینی و جمعیت شهری یکی از مهمترین دلایل تغییر جمعیت در جهان است. سه دلیل اصلی برای رشد جمعیت شهری در کشورهای در حال توسعه وجود دارد.

مهاجرت روستاییان به شهرها

رشد سریع طبیعی جمعیت

طبقه بندی مجدد مناطق روستایی به مناطق شهری

افزایش طبیعی جمعیت در مناطق شهری

با طبقه بندی مناطق، میانگین ۶۱٪ را برای رشد جمعیت شهری در کشورهای در حال توسعه نشان می‌کند. در کشور ایران سطح شهرنشینی بسیار بالا است افزایش جمعیت در رشد شهرنشینی بسیار موثر است.

در بسیاری از شهرهای ایران مانند تهران - شیراز - تبریز - اصفهان با توسعه سریع شهری در - حمل و نقل - آب و توزیع کالای اولیه کمبودهایی به وجود آمده است. که در نتیجه سبب بروز بیماریهای مختلف می‌گردد. به خصوص در بین خانوارهایی که در ۲۵ سال اخیر مهاجرت نموده‌اند و در کوچه‌های کثیف و محله‌های فقیر زندگی می‌کنند. سوء تغذیه و بیماری مخصوصاً بر روی زنان - بچه‌ها و پیرها و کارگران ناتوان به خصوص در بخش‌های صنعتی که در معرض ریسک بالای بیماری‌ها قرار دارند تأثیرات بیشتری دارد. همان طور که در جهان تعداد شهرها افزایش می‌یابد به تعداد شهرهای فقیر نیز اضافه می‌گردد و این یک واقعیت است که فقر خیلی زیاد، یک نقطه ضعف برای جامعه محسوب می‌گردد. فقر در خیلی از شهرهای ایران در قالب زیر تعریف می‌شود:

عدم داشتن توانایی

های اولیه زندگی

فقر شدید در ایران می‌تواند به وسیله برنامه‌های توسعه کاهش یابد و زندگی بسیاری از کودکان ایرانی را نجات دهد.

جدول زیر نیز بر اساس تقسیم‌اشخاص فقیر از لحاظ منطقه‌ای تهیه شده است که نشان می‌دهد فقر در تهران خیلی بیشتر از روستاها و شهرهای دیگر بوده است و شوک سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ تأثیر بیشتر و جدی تری بر فقر در شهر تهران نسبت به سایر مناطق داشته است. این امر ممکن است نشأت گرفته از طبیعت و ماهیت این شوک بوده باشد که بر مصرف کنندگان شهری

نسبت به روستاییان به صورت جدی تری تأثیر گذاشته است. نرخ فقر در تهران در بین سالهای ۷۲ و ۷۳ حدود ۷٪ افزایش داشته در حالی که در مناطق روستایی رشدی معادل ۱۰٪ داشته است.

واقعیت ها و ارقام فقر در ایران (۱۳۷۸)

بیشتر از ۲۳٪ خانوارها در فقر زندگی می کردند. غذای کافی در دسترس نداشتند و از فقر غذایی رنج می بردند و اکثر آنها کودکان بودند. بسیاری از کودکان بیش دبستانی و دبستانی از کمبود وزن رنج می بردند. بسیاری از خانواده ها دسترسی به آب سالم نداشتند.

فقر در ایران با برنامه ریزی دقیق توسعه ای می تواند از بین برود و باعث نجات شهرنشینان و روستاییان از فقر شود.

آمار فقر در سال ۱۳۸۴ بر اساس آمار ارائه شده از وزارت رفاه

تقریباً ۱۰/۵ درصد جمعیت شهری و ۱۱ درصد جمعیت روستایی زیر خط فقر هستند این تعداد از نظر جمعیتی حدود ۴ میلیون و ۹۳۵ هزار نفر جمعیت شهری و ۲ میلیون و ۵۳۰ هزار نفر جمعیت روستایی و در کل ۷ میلیون و ۴۶۵ هزار نفر از جمعیت کشور زیر خط فقر مطلق هستند.

تعریف خط فقر شدید ناتوانی در تأمین ۲ هزار کیلو کالری در روز و خط فقر مطلق حداقل درآمد مورد نیاز برای تأمین نیازهای اساسی خوراکی و غیر خوراکی عنوان شده است. خط فقر شدید در سال ۸۴ برای خانوار ۴/۶ نفری شهری، ۶۵۰ هزار ریال و برای خانوار روستایی، ۵۱۴ هزار ریال با احتساب کسری یارانه ها تعیین گردیده است. بر این اساس ۲/۸ درصد جمعیت شهری و ۲/۹ درصد جمعیت روستایی در سال ۸۴ زیر خط فقر شدید قرار گرفته اند که جمعیت آنها یک میلیون و ۳۱۶ هزار نفر شهری و ۶۶۷ هزار نفر

روستایی و در کل یک میلیون و ۹۸۳ هزار نفر از جمعیت کشور در سال ۸۴ زیر خط فقر شدید بوده اند.

برخی از محرومیت‌های اضطراری مثل سوء تغذیه، مسائل آموزشی و بهداشتی از اولویت های فقرزدایی در کشور هستند.

اختصاص منابع یارانه ها به اقشار آسیب پذیر یکی از راهکارهای کاهش فقر به حساب می آید.

تعاونی ها و نقش آنها در کاهش فقر

هر کشور و هر نظامی که بخواهد رشد مداوم و مستمر اقتصادی داشته باشد باید به بخش تعاونی توجه کند. کشورهای شرقی مانند هند، از طریق بخش تعاونی در پی فقرزدایی هستند. راهکار این کشورها برای فقرزدایی، توجه به بخش تعاونی است. لازمه تحقق عدالت، توسعه بخش تعاونی است و برای اینکه همه در سرنوشت اقتصادی خود سهیم باشند و هر کسی بتواند شرایط اقتصادی خود را تعیین کند توجه به گسترش این بخش بسیار حائز اهمیت است. اگر بخواهیم رشد اقتصادی در کشور تداوم یابد باید به فکر کاهش فاصله طبقاتی در جامعه باشیم و تشکیل شرکت های تعاونی یکی از این راهها می باشد تا از طریق تجمیع سرمایه های کوچک در نزد مردم در قالب تعاونی بتوان برای کاهش فقر اقدام نمود.

این شرکت ها با اصول و مقرراتی که حاکم بر آنهاست می توانند نقش اساسی در کاهش فقر داشته باشند. فقرا در قالب شرکت های تعاونی با تلاش و کوشش جمعی و جلب حمایت های دولتی می توانند نسبت به تغییر وضعیت خود اقدام نمایند. به عنوان مثال تعاونیهایی که یک قرن قبل در اروپا و آمریکای شمالی تأسیس گردیده بودند صرفاً برای کمک به فقرا بوده اند. نگاه اجمالی به تعاونیهای کشاورزی در دانمارک و انگلستان این واقعیت را ثابت می کند. اعضا در شرکت های تعاونی قادر خواهند بود که

کنترل بیشتری بر معاش خود داشته باشند و نیازهای روزانه خود را تأمین نمایند مخصوصاً در مناطق روستایی که مشاغل کمیاب و خدمات اولیه خیلی ضعیف می باشند.

به عنوان مثال تشکیل تعاونیهایی اعتبار یکی از راهکارهای فقرزدایی است. مطابق اصل ۴۳ قانون اساسی بخش تعاون به منظور کاهش فاصله طبقاتی، مهار تورم، ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری و مبارزه با ظلم و ستم و فقر به وجود آمده است لذا مطمئناً تلاش در جهت اجرای سیاست های کلی بخش تعاون حرکت ارزنده ای در کاهش فقر و تحقق عدالت اجتماعی محسوب می گردد. تعاونیهایی فراگیر ملی نیز در فقرزدایی و ایجاد اشتغال و رشد و توسعه بخش تعاون نقش و جایگاه مهمی دارند. لذا برای رسیدن به این هدف باید شرایط و محیط مناسب برای فعالیت تعاونیها فراهم گردد و به منظور توانمند ساختن آنها از طریق توسعه نیروی انسانی و تشویق ها و حمایت های لازم اقدام گردد. سوابق شرکت های تعاونی گواه بر توانایی بالای شرکتهای مذکور در افزایش درآمد اعضا و کاهش ریسک و مشارکت قوی آنها در فعالیت های اجتماعی است، ویژگی که تعاونیهارا از سایر شرکت ها جدا می سازد. وجود کنترل دموکراتیک این شرکت ها بر اعضا و تقسیم سود به صورت عادلانه در بین آنهاست.

سیاستهای کاهش فقر در برخی از کشورها

مالزی

به منظور دستیابی به سیاستهای کاهش فقر در مالزی اولین استراتژی ایجاد شرایط و فرصتهای مناسب شغلی با درآمدهای بالا برای فقرا بوده است.

سیاست های مالزی جهت مبارزه با فقر اولین بار در برنامه سیاستهای جدید اقتصادی NEP در سایر ۱۹۷۰ معرفی گردید و در واقع به عنوان یکی از قسمتهای

اصلی این برنامه طراحی شده بود بعد از اینکه سیاستهای توسعه ملی NDP جایگزین NEP گردید برخی تغییرات در سیاستهای کاهش فقر ایجاد شد ولی ساختار اولیه آن ثابت باقی ماند. در واقع سیاستهای کاهش فقر یکی از سیاستهای اصلی در این کشور بود که تا پایان از بین رفتن نهایی فقر در مالزی اجرا خواهد شد. یکی از مهمترین برنامه های مالزی افزایش بهره وری کشاورزی و برگرداندن سود آن به کشاورزان با کمک سازمان FOA که در سال ۱۹۹۶ تأسیس گردیده است می باشد این سازمان یکی از سازمانهایی است که جهت برنامه کاهش فقر در مالزی فعالیت می نماید. همچنین شرکت های تعاونی در این رابطه نیز نقش مهمی را ایفا می نمایند.

تایلند

بانک BAAC به عنوان تنها بانک ملی کشاورزی در تایلند است که به علت بحران مالی سال ۱۹۹۷ و به دلیل ضرورت توسعه روستاها که عامل مهمی در جهت کاهش فقر می باشند تأسیس گردید. BAAC به عنوان پل ارتباطی بین دولت و مردم روستایی جهت توسعه روستاها و کاهش فقر عمل می کند. این سازمان از طریق حمایت های دولت جهت اجرای برنامه ها و اهداف دولت و ارتقای سطح زندگی مردم روستاها فعالیت می کند.

زامبیا

دولت زامبیا در جهت کاهش فقر حرکت های تعاونی را یکی از ابزارها دانسته است و همچنین دولت زامبیا توسعه سازمانهای قوی کشاورزی بخصوص در مناطق روستایی که تعداد کشاورزان زیاد می باشد را یکی از راهکارهای اجرای برنامه های دولت در راستای کاهش فقر می داند.

دولت با ارائه محصولات یارانه ای به کشاورزان و ایجاد بازارهای کشاورزی جهت فروش محصولات و تعیین قیمت برای آنها به منظور ارتقاء سطح زندگی روستاییان کمک

می کند و بودجه خاصی را به وزارت کشاورزی و تعاون تخصیص داده است.

سرلانکا

حرکت های تعاونی و تقویت سازمانهای کشاورزی در سال ۱۹۰۹ جهت کاهش فقر و مبارزه با آن در سری لانکا آغاز گردیده است و در نتیجه سیستمهای توسعه تعاونی ها در قسمتها و بخشهای مختلف ادامه پیدا کرد.

ویتنام

استراتژی و برنامه های از بین بردن گرسنگی و کاهش فقر HEPR را اجرا نموده است.

۱- استراتژی رشد در همه زمینه ها جهت کاهش فقر و مبارزه با گرسنگی و توسعه اقتصادی و اجتماعی در این کشور اجرا می شود و هدف از آن مبارزه با فقر همراه با توسعه اقتصادی و اجتماعی است.

۲- این استراتژی شامل برنامه ها، اهداف و سیاستهایی است که دستیابی فقرا به شغلها و درآمدها را آسان می نماید.

الف- توسعه زیرساختها: سرمایه گذاری در زیرساختها مانند جاده ها - آبیاری و مدارس و مراکز سلامتی و بازارها

ب- کمک به فقرا جهت توسعه اقتصادی: راهنمایی فقرا در جهت بدست آوردن درآمد کافی و کمک به آنها از طریق اهدای زمین، وسایل و...

ج - کمک به فقرا با تهیه مسکن برای آنها: اجرای پروژه های کمک به فقرا جهت تهیه مسکن با ارائه زمین و مصالح ساختمانی و همکاری در ساخت آنها

این پروژه ها از دو طریق تخصیص وام های بلندمدت و وام های بلاعوض اجرا می گردند.

د - کمک به فقرا از طریق آموزش و مراقبتهای بهداشتی: تهیه وسایل اولیه تحصیل برای فقرا و تهیه کارتهای بیمه سلامتی به منظور مراقبتهای پزشکی رایگان و خرید دارو.

ه - توسعه کشاورزی و تشویق مردم جهت مهاجرت به مناطق اقتصادی به منظور توسعه این مناطق و کمک به اشخاص ناتوان مانند سالمندان - معلولین و ایتام .

عمان

برنامه های تأمین اجتماعی از قبیل موارد ذیل را دنبال نموده است.

۱- پرداخت ماهیانه جهت ایتام، بیوه زنان، زنان جوان و مجرد، زندانیها و سالمندان

۲- توزیع نوشت افزار میان مدارس به طور سالانه جهت ۴۰۰۰۰ دانش آموز

۳- اجرای پروژه های درآمدزا

۴- تهیه مسکن برای مردم

برنامه های دولت ایران

جهت کاهش فقر

دولت ایران سیاست هایی را برای کاهش فقر مانند اعطای سوبسید برای مواد غذایی، اجرای برنامه های بهداشت عمومی و آموزش را کماکان دنبال می کند. برخی از این سیاستها تأثیرات زیادی در کاهش فقر خانوارهای ایرانی داشته است. به عنوان مثال برنامه های اجرای بهداشت در مناطق روستایی به نحو قابل ملاحظه ای باعث کاهش مرگ و میر به خصوص در کودکان گردیده و برنامه های آموزشی سطح سواد را ارتقاء بخشیده است. دولت ایران در سال ۱۳۸۲ حدود ۲ میلیارد دلار را به سوبسید جهت مواد غذایی، دارو و سایر کمک هایی که به کاهش فقر کمک می کند اختصاص داده است. همچنین وزارت کار در ایران با همکاری سازمانهای UNDP, ILO استراتژی را برای ایجاد اشتغال در ایران برای بیکاران دنبال می نماید. بنابراین آینده روشنی برای کشور ایران در راستای کاهش فقر و بالا بردن استانداردهای اولیه زندگی با توجه به همکاری هایی که با سایر سازمانهای بین المللی دارد پیش بینی می گردد.